



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون
موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - مقدمات - مقدمه دوم: حجیت خبر واحد از مسائل علم اصول است یا نه؟ نظر شیخ انصاری - اشکال محقق خراسانی به شیخ انصاری - نظر محقق خراسانی
سال شانزدهم
تاریخ: ۲۴ مهر ۱۴۰۳
مصادف با: ۱۱ ربیع الثانی ۱۴۴۶
جلسه: ۱۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در مقدمه دوم از مقدمات بحث از حجیت خبر واحد سخن در این بود که آیا این بحث و این مسئله از مسائل علم اصول محسوب می شود یا خیر؟ اینکه ما بحث می کنیم خبر الواحد حجة ام لا؟ آیا این به عنوان یک مسئله اصولی شناخته می شود و آیا معیار و ملاک مسئله اصولی بر این مسئله منطبق است یا خیر؟ عرض کردیم اینجا انظار مختلفی وجود دارد، نظر صاحب فصول این بود که ما اگر موضوع علم اصول را ذوات الادله اربعه قرار دهیم آنگاه بحث از حجیت خبر واحد بحث از عوارض سنت است و دیگر اشکال بحث از دلالت یک دلیل با حفظ عنوان دلالت مطرح نمی شود. محقق خراسانی به این مطلب اشکال کردند و فرمودند که ما در این مسئله از حجیت قول امام یا فعل امام یا تقریر امام صحبت نمی کنیم بلکه از حجیت خبر و قول زراره بحث می کنیم. خبر زراره که به عنوان یکی از ادله اربعه شناخته نمی شود تا بخواهد این مسئله یک مسئله اصولی باشد.

کلام شیخ انصاری

شیخ انصاری با توجه به اشکالی که به صاحب فصول وارد شده (محقق خراسانی هم به آن اشاره کردند) طریق دیگری را اختیار کرده برای اینکه این مسئله مسئله اصولی باشد.

ایشان می فرماید اینکه ما بحث می کنیم هل تثبت قول الامام بخبر الواحد ام لا؟ این بحث از عوارض سنت است، زیرا ما در واقع می خواهیم ببینیم که آیا قول و فعل و تقریر امام تنها با تواتر ثابت می شود یا مثلاً با قرینه قطعی که خبر محفوف به آن است ثابت می شود یا نه، علاوه بر اینها با خبر واحد نیز ثابت می شود؟ در اینکه قول و فعل و تقریر امام با تواتر ثابت می شود بحثی نیست؛ تواتر مفید قطع است و قطع نیز حجیت ذاتی دارد. خبری که محفوف به قرائن قطعی باشد، آن هم که وضعیت روشن است و اصلاً از محل نزاع ما خارج است هر چند بعضی در باب حجیت خبر معتقدند که تنها خبری حجت است که محفوف به قرائن قطعی باشد مثل سید مرتضی که این در واقع انکار حجیت خبر واحد است زیرا آنچه محل بحث است خبر واحد بدون چنین قرائنی است، خبر واحدی که مفید ظن است، اگر محفوف به قرائن قطعی باشد که مفید قطع و یقین است آنگاه به ملاک دیگری حجیت دارد. پس در این دو قسم یعنی خبر متواتر یا خبر واحد محفوف به قرینه قطعی، نزاع جریان ندارد. بلکه ما تنها بحث می کنیم که آیا با خبر واحد نیز می توان قول امام را ثابت کرد؟ با خبر واحد نیز می توان فعل و تقریر امام را اثبات کرد یا خیر؟

بحث از اینکه آیا قول و فعل و تقریر امام با خبر واحد قابل اثبات است یا خیر، در واقع بحث از عوارض سنت یعنی قول و فعل و تقریر امام است و ما می خواهیم ببینیم آیا قول و فعل و تقریر امام با خبر واحد ثابت می شود؟ اثبات و یا عدم اثبات قول و فعل و تقریر امام با خبر واحد مربوط می شود به عوارض سنت. پس ملاک مسئله اصولی و آنچه که به عنوان تعریف علم اصول مطرح شده و موضوع علم اصول اینجا منطبق است. لذا این بحث از عوارض سنت است. این مطلبی است که شیخ انصاری فرمودند.^۱

اشکال محقق خراسانی به شیخ انصاری

محقق خراسانی به شیخ انصاری دو اشکال کردند.

اشکال اول

بحث از حجیت و دلیل سنت مربوط به قول معصوم است نه قول زراره. شما می گوید مسئله ما این است، هل تثبت قول الامام بخبر زراره ام لا؟ بعد فرمودید این بحث از عوارض سنت است. سوال این است که بحث از حجیت خبر زراره چه ربطی به حجیت فعل و قول و تقریر خود امام دارد؟ اینجا آنچه مورد نظر است حجیت و اعتبار خبر زراره است و الا فعل و قول و تقریر امام که قطعاً حجت است و در آن بحثی نیست. اگر من از امام بشنوم یا تقریر امام را خودم دریافت کنم یا فعل امام را ببینم، معلوم است که حجت است، آنچه که محل تردید می باشد و نیازمند اثبات است خبر زراره است. پس ما داریم بحث از حجیت خبر زراره می کنیم و این از عوارض سنت نیست، در حالی که ملاک مسئله اصولی این است که در آن از عوارض سنت بحث شود؛ یعنی از حجیت آن در حالیکه خبر زراره سنت نیست. به تعبیر دیگر سنت حاکیه است. سنت محکیه نیاز به بحث ندارد، سنت محکیه یعنی خود قول و فعل و تقریر امام که قطعاً حجت است و ما شکی در آن نداریم، آنچه محل بحث است سنت حاکیه است، یعنی آنچه که حکایت می کند از قول و فعل و تقریر امام، یعنی همان خبر زراره یا محمد بن مسلم.

اشکال دوم

اساساً شما صورت مسئله را تغییر دادید و یک عنوان دیگری غیر از عنوانی که در کتب اصولی مطرح است بیان کردید. آنچه که در کتب اصولی مطرح است این است خبر واحد حجة ام لا؛ آنچه شما مطرح کردید این است هل یتثبت قول الامام بخبر الواحد ام لا؟ بین آنچه که شما مطرح کردید و آنچه مشهور است و در کتب اصولی مطرح شده، ملازمه است، یعنی لازم است و یکی ملزوم و شما بین جای لازم و ملزوم را تغییر دادید و ملاک و معیار اصولی بودن را بر لازم تطبیق کردید در حالیکه در کتاب های اصولی این عنوان را بر ملزوم تطبیق کردند.

پس گویا سوال و پرسش از یک امر است و پاسخ درباره امر دیگری است. سوال این است که آیا بحث از حجیت خبر واحد مسئله اصولی محسوب می شود یا خیر؟ ما که بحث می کنیم (همانطور که در مورد شهرت و اجماع بحث کردیم) خبر واحد حجت است یا خیر مسئله اصولی محسوب می شود یا نه؟ همه نیز همین را بحث کردند و تلاش کردند این را حل کنند ولی شیخ انصاری اصلاً صورت مسئله را تغییر داده و گفته آیا سنت یا قول و فعل و تقریر امام با خبر واحد ثابت می شود یا خیر؟

اگر ما قائل به حجیت خبر واحد شدیم لازمه اش ثبوت قول امام و تمامیت آن است، اگر ما گفتیم خبر واحد حجت است نتیجه اش این است که ثبت قول الامام؛ ما می خواهیم ببینیم این مسئله اصولی است یا خیر؟ یعنی حجیه خبر الواحد، همه سر این بحث می

^۱ فرائد الاصول، ج ۱، ص ۱۰۹.

کنند، بحث از ملزوم بحث از یک مسئله اصولی می باشد یا خیر ولی شیخ انصاری رفته سراغ لازم و می گوید بحث از لازم یک مسئله اصولی است.

نظر محقق خراسانی

محقق خراسانی بعد از اشکال به صاحب فصول و شیخ انصاری می فرماید اساسا با مطلبی که ما گفتیم کاملا واضح است که این یک مسئله اصولی است. خلاصه سخن ایشان در ابتدای کفایه که تعریف و موضوع علم اصول و ملاک و معیار اصولی بودن و مسئله علم اصول را بیان کردند این بود که اگر یک مسئله ای بخواهد مسئله اصولی باشد ملاکش این است که نتیجه آن بتواند در قیاسی که مجتهد برای استنباط حکم شرعی تشکیل می دهد واقع شود، هر مسئله ای که نتیجه اش توانست به عنوان کبرای آن قیاس قرار بگیرد می شود مسئله اصولی و اینجا این معیار وجود دارد. در حجیت ظواهر نیز این بحث بود که یک مسئله اصولی است زیرا نتیجه اش در کبرای قیاس استنباط قرار می گیرد. قیاس استنباط یک صغری دارد و یک کبری. فرض کنید شما مجتهد هستید و می خواهید فتوا دهید. می گوید هذا ظاهر فی الوجوب، اقیموا الصلوه ظهور در وجوب دارد این آیه ظهور در وجوب دارد یا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم. این صغری است. کبرا نیز نتیجه ای است که در بحث از حجیت ظواهر گرفتید که کل ظاهر حجة، هر ظاهری حجت است، معتبر است، لازم الاتباع است و باید به آن عمل کرد. نتیجه این می شود که باید به وجوب نماز حکم کنید. این قیاس استنباط و نتیجه اش است؛ هذا ظاهر فی الوجوب، کل ظاهر یجب العمل به، پس وجوب الصلوه یجب العمل به لذا بحث از حجیت ظواهر یک بحث اصولی است.

در باب خبر واحد نیز همینطور است. اینجا مثلا می گوئیم قام خبر زراره علی وجوب صلوة الجمعة، یک روایتی وارد شده از زراره و فرض این است که واجد شرایط نیز می باشد، زیرا زراره ثقه است و وسائط نیز همه ثقه می باشند؛ مثلا زراره گفته سئلت ابا عبدالله ... از امام صادق راجع به نماز جمعه سوال کردم و امام صادق فرمودند که نماز جمعه واجب است. پس صغری عبارت است از اینکه زراره خبری را از امام صادق نقل کرد که نماز جمعه واجب است. کبری نیز عبارت است از کل حکم قام علیه خبر الواحد فهو ثابت، فهو حجة، معنای حجیت همین است یعنی اگر ثقه ای خبری از امام (علیه السلام) نقل کرد این حکم خداست، و ثبت به الحکم الشرعی، نتیجه می گیریم که نماز جمعه واجب است. الان اینجا کبرای این قیاس همین بحثی است که ما در خبر واحد داریم. اگر ما ادله حجیت خبر را واقعی به مقصود بدانیم نتیجه اش این می شود که هر حکم شرعی که خبر ثقه بر آن قائم شود آن حکم ثابت است. هر ثقه ای اگر از یک امام حکمی را نقل کرد این حکم ثابت می شود. بنابراین بحث از حجیت خبر واحد یک مسئله اصولی می شود.

به هر حال محقق خراسانی به مشهور اشکال کرد که موضوع علم اصول ادله اربعه نیست بلکه هر چیزی است که نتیجه اش در قیاس استنباط واقع شود. بر همین اساس معیار و ملاک مسئله اصولی را همین دانستند، هر چه که به عنوان کبرای قیاس استنباط قرار بگیرد می شود مسئله علم اصول.

سوال:

استاد: اگر شد، ما بحث می کنیم که هست یا نیست. ... می گوید یمكن ان یقع ... هر چیزی که نمی شود، مثلا چه؟ راجع به شمس و قمر یا تاریخ در مورد فلان حادثه ربطی به ما ندارد. کل ما یمكن ان تقع نتیجتہ فی طریق الاستنباط، مواردی مثل اجماع، شهرت،

ظواهر، حالا اگر بخواهیم فراتر نگاه کنیم، قیاس، استحسان، بله آنها هم هست، ولی اینجا دیگر بحثی نمی کنند، زیرا مفروض عندهستند. ... مرحوم مظفر برای چه در مورد قیاس بحث کرد؟ گفت ما قیاس منصوص العله داریم و قیاس مستنبط العله قیاس منصوص العله و قیاس اولویت معتبر است، اما قیاس مستنبط العله معتبر نیست. استحسان، سد ذرایع، فتح ذرایع، مصالح مرسله اینها هیچ کدام حجیت ندارد ولی بحث از اینها یک مسئله اصولی است هرچند ما در مورد آنها قائل به حجیت نشدیم، یعنی به حسب واقع باید در مورد آنها نیز باید بحث شود.

بحث جلسه آینده

اینجا محقق اصفهانی، درباره موضوع علم اصول یک نظر دیگری دارند همین ملاکی هم که محقق خراسانی برای موضوع علم اصول و مسئله اصولی ذکر کردند محل اشکال واقع شده است. از شاگردان محقق خراسانی و دیگران به ایشان اشکال کردند که ما توقع کبری قیاس الاستنباط نمی تواند ملاک مسئله اصولی باشد و نظر دیگری دادند. محقق اصفهانی یک مطلب دیگری گفتند. بعضی از بزرگان مطلب دیگری گفتند که باید این چند مبنا را یک اشاره ای بکنیم تا از این مقدمه خارج و وارد بحث از حجیت ادله خبر واحد شویم.

والحمد لله رب العالمین»